نگاه بیرون

هیلی چه می‌گوید

Examiner

شهرام زرندار

● نیکی هیلی، بهترین سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، در ۵۰ سال اخیر است. در نوامبر سال ۲۰۰۶ که نیکی هیلی، کاندیدای پست سفیر ایالات متحده در سازمان ملل شد، پروفسور چارلز تی‌فر از دانشگاه بالتیمور با خشم و غضب به این کاندیداتوری عکس‌العمل نشان داد. «تی‌فر» گفته بود: «هیچ‌کس در سازمان ملل فکر نخواهد کرد که هیلی کسی است که بشود با او سخن گفت، کسی که یا دانش و معلومات خوبی دارد یا به رئیس‌جمهور نزدیک است». اکنون تی‌فر باید کمی احساس حماقت کند. از همه اینها گذشته در سایه رأی با اکثریت قاطع سازمان ملل برای تأیید تحریم‌های جدید علیه کره شمالی، هیلی ثابت کرده به‌عنوان سفیر ایالات متحده در سازمان ملل موفق بوده است. این روزها سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، فقط یک شهروند آمریکایی نیست که ارزش سخن‌گفتن دارد، او یک دیپلمات ارشد است و به‌عنوان یک دیپلمات می‌توان با او سخن گفت، هیلی فقط در چند ماه در مقر سازمان ملل خود را از همه مجزا کرده است. صد البته با این ریتم، هیلی در مسیری قرار گرفته که به بهترین سفیر ایالات متحده در سازمان ملل از زمان سفارت اَدلای تبدیل شده است که می‌گفت: «استیونسون منتظر ترجمه نباش!»، درحالی‌که استیونسون سال ۱۹۶۵ منهتن را ترک کرده، تأثیر هیلی ویژه خواهد بود.

هیلی هنگامی وارد سازمان ملل شد که جهان به‌دلیل شکست هیلاری کلینتون امیدهای خود را از دست داده بود. در حلقه‌های دیپلماتیک به هیلی به‌عنوان چهره تحمیلی دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نگاه می‌کنند، کسی که به‌قدر کافی چاپلوسی کرده تا شغلی را به دست بیاورد و زندگی لوکس دیپلماتیکی را بگذراند. کسی که کار اندکی می‌کند و دفتر کارش را با یک توییت ترک کرده و به محفل میلیونرها برای سخنوری وارد می‌شود.

در عوض هیلی احترام دیپلمات‌های مستقر در سازمان ملل را برانگیخته و درباره سوریه و کره شمالی جهان را به چالش کشانده است. درباره سوریه درحالی‌که هیلی قادر نبوده ترامپ را هدایت کند و او را از درِ صلح با روسیه وارد کند، تأثیرات مثبتی داشته است... هیلی جلوی مطرح‌شدن روسیه را به‌عنوان یک بازیگر اخلاق‌مدار در جنگ داخلی سوریه گرفته است و اجازه نداده روسیه خود را به‌عنوان یک بازیگر مثبت جا بزند.

این امر مدت‌هاست که یکی از اولویت‌های روسیه بوده، اما این اولویت اکنون مرده است. در عوض هیلی ایالات متحده را به یک صدای پیشرو در دفاع از سنی‌های سوریه تبدیل کرده، این امر به دو دلیل مهم است؛ اول اینکه این صدای پیشرو نمایندگی‌کننده بازگشت رهبری آمریکا پس از هشت سال بی‌توجهی دولت اوباماست. دوم اینکه این صدای پیشرو به استحکام مونارشی‌های عرب سنی می‌انجامد. این فهم مهم است زیرا اگر آنها به این مسئله ایمان نداشته باشند مونارشی‌های سنی، گروه‌گروه، به راه داعش خواهند رفت. هیلی درباره کره شمالی به‌طرزی مشابه روابط کاری نزدیکی با سایر سفرای سازمان ملل به‌ویژه متفقین اروپایی-آمریکا برقرار کرده است.

این مسئله به هیلی کمک کرده تا حس فوریت و اضطرار را درباره کره شمالی نمایندگی کند؛ برای مثال رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه ایالات متحده نمی‌داند دراین‌باره چه بگوید. او شرکای جهانی آمریکا را وادار به توجه به خودش کرد و بعد آنها را در یک پاسخ سیاسی جدی درگیر کرد. سابقه او روشن است؛ هیلی قبل از اینها دستاوردی بسیار بزرگ‌تر از بیشتر سفرای ایالات متحده در سازمان ملل به دست آورده است. این شامل مادلین آلبرایت نیز می‌شود و حتی سفیر قبل از هیلی، سامانتاپاور کتابی درباره رهبری ضد نسل‌کشی نوشته، اما آن را به‌خاطر پیوستن به دولت اوباما فراموش کرده است. به‌طرز غمگینانه‌ای، این واقعیتی است که منتقدان هیلی برای قبول آن در حال مبارزه‌اند. برای مثال هفته گذشته در برنامه «نگاه» ای‌بی‌سی، هیلی هدف حملات شدید بود. در مناظره درباره کره شمالی و سازمان ملل، وویپی گُلدبرگ که یک فعال ضد نژادپرستی است، به کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، نام کیم جونگ جام را داده است، اما کل شرکت‌کنندگان در این مناظره هیلی را به‌عنوان کسی که شکست‌خورده و کاملا دور از درک عمیق است محکوم کرده‌اند.

politics@sharghdaily.ir

نگاهی به زندگی و دیدگاه‌های نماینده ترامپ در سازمان ملل

مأمور مخصوص حاکم بزرگ

زینب اسماعیلی: «حرف‌شنو؛ اما جاه‌طلب» این صفت در ظاهر متضاد، شاید بهترین توصیف برای عضو هندی- آمریکایی کابینه دونالد ترامپ باشد. نیکی هیلی، سفیر واشنگتن در سازمان ملل، پیش از آنچه فکر می‌شد خود را از قامت فرماندار ایالت کارولینای جنوبی خارج کرد و در مقام سفیری در نیویورک نشست. ۴۵ساله است و درحالی‌که برخی تحلیل‌ها او را گزینه تحمیلی به ترامپ می‌دانستند، حالا او به دست راست رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در سیاست خارجی تبدیل شده است. او اخیرا در یکی از نشست‌های سازمان ملل در مقابل دیگر سفرا، خود را «کلانتر» معرفی کرده و گفته که آمده تا آنها را به خط کند. یعنی خانم فرماندار سابق حالا خود را کلانتر می‌بیند. هیلی در چند ماه گذشته مأموریت‌هایی را انجام داده که نشان می‌دهد دونالد ترامپ بیش از دیگران به او اعتماد دارد. این را به‌ویژه در مأموریت‌هایی که در مورد ایران و برجام به او داده‌شده، می‌توان به خوبی درک کرد. شاید همین‌ها می‌تواند زنگ خطری هم برای رکس تیلرسون، وزیر خارجه این کشور باشد که شواهد نشان می‌دهد او در شرایط خوبی با رئیس‌جمهور نیست. برخی همتایان هیلی در نیویورک او را می‌ستایند و برخی دیگر از او دوری می‌جویند. او فردی است که این‌روزها بیش از دیگر اعضای کابینه ترامپ، قصد هراس‌افکنی در جهان علیه برجام را دارد، هدفی که به او واگذار شده و او می‌کوشد آن را به‌خوبی انجام دهد و نشان دهد که از عهده‌اش برآمده است. هیلی در ۴۵سالگی روزهای پرهیجانی را پشت‌سر می‌گذارد، روزهایی که می‌تواند او را به موقعیت‌های جدیدی برساند. همه کسانی که در کشورهای مختلف به مقام سفارت می‌رسند، جز یکی از این دو دسته‌اند؛ یا سابقه وزارت‌خارجه‌ای و دیپلماتیک دارند یا یک مقام سیاسی بوده‌اند. اگرچه در هر دو صورت مقام بالادست آنها، وزیر خارجه است و باید به او گزارش عملکرد بدهند. نیکی هیلی در این بین، یک سفیر سیاسی است. او که فرماندار ایالت کارولینای جنوبی بوده، در بحبوحه چینش اعضای کابینه از سوی دونالد ترامپ برای نمایندگی آمریکا در سازمان ملل انتخاب شد، حتی پیش‌تر از آن‌که وزیر خارجه معرفی شود. ازهمین‌رو هیلی به ترامپ نزدیک‌تر است تا به رکس تیلرسون وزیر خارجه. به نظر می‌آید همین «مقام سیاسی» بودن یکی از مهم‌ترین امتیازهای هیلی نسبت به دیگران است. اندکی تأمل در مأموریت‌هایی که به او واگذار می‌شود، نشان می‌دهد که «خانم کلانتر» مأمور خوبی برای اجرای فرمان‌های آقای ترامپ است. مأموریت‌هایی که ترامپ به سفرا و همکاران تیلرسون واگذار نمی‌کند. نیکی هیلی، برای مذاکره با یوکیا آمانو به وین می‌رود، برای مذاکرات حقوق‌بشری به ژنو می‌رود و هفته‌ای یکی دوبار موضع‌گیری‌های ضدایرانی می‌کند. اگرچه از ابتدا می‌شد پیش‌بینی کرد از تریبون سفیر واشنگتن در سازمان ملل، آن‌هم در دولت جمهوری‌خواه ترامپ، نوای دیگری در نخواهد آمد. هیلی به سرعت در حال سبقت از پیشینیان خود است؛ آن‌چنان که برخی تحلیل‌های آمریکایی نیز بر همین محور نوشته شده است. بگذارید تکه‌های پازل مرتبط با این خانم را کنار هم بچینیم تا ببینیم «چرا نیکی هیلی پیش‌برنده این مأموریت‌های ضدایرانی شد؟»

حدود ۱۰ روز پیش بود که نیکی هیلی، برای مأموریت ضدبرجامی دونالد ترامپ، راهی وین شد. او در آن‌جا با یوکیا آمانو مدیرعامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم گفت‌وگو کرد و استارت دوباره بحث بازدید از اماکن نظامی ایران را مطرح کرد

مأموریت‌های مهم

حدود ۱۰ روز پیش بود که نیکی هیلی، برای مأموریت ضدبرجامی دونالد ترامپ، راهی وین شد. او در آن‌جا با یوکیا آمانو مدیرعامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم گفت‌وگو کرد و استارت دوباره بحث بازدید از اماکن نظامی ایران را مطرح کرد. بحثی که چند روز قبل از برجام، در قالب حل و فصل «پی‌ام دی» به پایان رسیده‌است. اگرچه طرح این بحث با دیوار سخت تعهدات مشخص ایران در برجام مواجه شد و البته واکنش وزیر خارجه ایران را برانگیخت که او را کم‌اطلاع درباره برجام خطاب کرد، اما موجب شد آمانو هنگام ارائه گزارش فصلی آژانس، در حد یکی، دو خط به این شائبه پاسخ دهد. نباید از یاد برد که اگر توافقی مثل برجام وجود نداشت، چنین ادعاها، آن‌هم از سوی مقام آمریکایی می‌توانست منجر به آغاز غائله‌ای شود. همین‌ها نشان داد مأموریت هیلی در وین چه بود. اینها در حالی‌است که تیمی در بین مشاوران ترامپ موظف شده‌اند موارد پایبندنبودن ایران به برجام را تا اکتبر برای رئیس‌جمهوری ایالات متحده فهرست کنند تا او به وعده‌اش که «عدم تأیید پایبندی ایران به برجام» است عمل کند. آنچه طبق متن برجام باید به‌طور فصلی از سوی آمریکا انجام شود. شنیده‌ها حاکی از آن است که نیکی هیلی جزء نزدیکان به آن تیم است و او در حال همکاری با سناریوی پایبندنبودن ایران به برجام است. هیلی اگرچه از منظر جایگاه دیپلماتیک باید گزارش عملکردش را به وزیر خارجه بدهد، اما اکنون به دلیل مأموریت‌هایی که ترامپ به او واگذار می‌کند، عملا وزیر را به حاشیه رانده و در ارتباط مستقیم با رئیس‌جمهوری قرار دارد. ناگفته نماند که طبق قوانین ایالات متحده، سفیر واشنگتن در سازمان ملل، جزء اعضای کابینه دولت محسوب می‌شود و در جلسات کابینه هم حضور پیدا می‌کند.

همه اینها زمانی مفهوم بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم تیلرسون وزیر خارجه فعلی با ترامپ، بر سر ایران و برجام اختلاف‌نظر زیادی دارند. تیلرسون به اندازه ترامپ، ضدبرجام نیست و مواضعش نشان می‌دهد می‌خواهد این توافق را حفظ کند اما ترامپ هیچ‌گاه به برجام خوش‌بین نبوده و آن را بدترین توافق قرن می‌داند.

سفیر قابل‌اعتماد

درحالی‌که قربانیان کابینه ترامپ تاکنون کم نبوده‌اند، به نظر می‌رسد تیلرسون هم در صف کسانی است که ممکن است زودتر از موعد از این قطار پیاده شود. اما در صورت این اتفاق، جایگزین او چه کسی است؟ به صورت عرفی، سفیر واشنگتن در سازمان ملل یکی از گزینه‌های جایگزینی وزیر خارجه است و با توجه به نزدیکی بیشتر مواضع هیلی به ترامپ، این اتفاق بعید به نظر نمی‌رسد. هیلی حتی برای مباحث حقوق‌بشر، سفری به ژنو داشت و در آنجا هم با مقامات اروپایی مذاکراتی داشت. یعنی مأموریت او به وین تنها مأموریت از این دست نبود. سؤال اینجاست که چرا این مأموریت‌ها به سفرای واشنگتن در وین و ژنو واگذار نمی‌شود؟ پاسخی که به ذهن می‌رسد این است که ترامپ به سفرایی که به صورت رده‌بندی در زیرمجموعه وزارت خارجه قرار دارند اطمینان ندارد همان‌طور که مأموریت مهم برجام را از شانه تیلرسون هم برداشته و به تیمی از کاخ سفید واگذار کرده است. هیلی حتی برای انجام کارهایش در نیویورک از تیم عریض‌وطویل موجود در دفترشان در این شهر استفاده نمی‌کند. او تیمی را همراه خود برده که آنها هم به وزارت خارجه وابستگی ندارند و افرادی سیاسی هستند. بسیاری، صندلی فعلی هیلی را برایش سکوی پرتابی می‌دانند که می‌تواند او را به‌طور غیرمنتظره‌ای به صندلی‌های بالاتر برساند. زمزمه‌هایی مبنی بر حضور هیلی در انتخابات درون‌حزبی سال ۲۰۲۰ شنیده می‌شود که باید با آقای رئیس‌جمهور رقابت کند. اتفاقی که پیش از این، سابقه نداشته است. اما شاید جدی‌شدن این زمزمه موجب تغییری در رابطه ترامپ و هیلی شود. به نظر نمی‌رسد ترامپ رقیبی از درون کابینه‌اش را بتواند هضم کند. اما این انتخابات برای این زن هندی- آمریکایی می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد، زیرا بخشی از مردم آمریکا با باخت غیرمنتظره هیلاری کلینتون، همچنان درصدد انتخاب اولین رئیس‌جمهور زن در آمریکا هستند. برخی گمانه‌ها حتی انتخاب سخنگویی با سابقه کمپین‌های انتخاباتی از سوی هیلی را نشانه این می‌دانند که قصد هیلی برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی پیش‌رو جدی است.

رایس هندی

صندلی‌ای که اکنون نیکی هیلی روی آن نشسته، پیش از این هم شاهد زنانی بود که برخی به اندازه او جاه‌طلب بودند و برخی نه. برخی به‌اندازه او ضدایرانی بوده و برخی نه. برخی تحلیل‌های آمریکایی او را با مادلین آلبرایت مقایسه می‌کنند، سفیر واشنگتن در سازمان ملل که در دولت بیل کلینتون به‌عنوان اولین وزیر خارجه زن آمریکا منصوب شد. اما اگر خارج از حیطه سفرای سازمان ملل بخواهیم او را مقایسه کنیم، به نظر می‌رسد کاندولیزا رایس گزینه نزدیک‌تری به اوست. رایس نخستین زن سیاه‌پوست آمریکایی بود که به سمت وزیر خارجه رسید. او وزیر خارجه دومین دولت جورج بوش پسر شد، درحالی‌که در دولت اول او، مشاور امنیت ملی بود. دولت اول بوش با وزارت خارجه کالین پاول گذشت اما او تندی موردنظر بوش را نداشت به‌ویژه آنکه ماجرای حمله به عراق و روکردن اسنادی درباره وجود سلاح‌های شیمیایی در این کشور، که بعدا نفی شد، برای او حسابی دردسرساز بود. بوش که برای بار دوم انتخاب شد، برای پیش‌برد اهدافش درباره ایران، عراق و افغانستان، کاندولیزا رایس را برگزید تا قطار جنگ در خاورمیانه و محور شرارت خواندن ایران را به حرکت سریع‌تری وادارد. رایس کاملا مواضعی ضدایرانی داشت. اصلی‌ترین مسئله رایس با ایران برنامه هسته‌ای بود و اتهام تلاش برای دستیابی به بمب هسته‌ای و ارتباط ایران با عبدالقدیرخان، دانشمند هسته‌ای پاکستانی که مدعی بود این ارتباط به دلیل فشارهای آمریکا در دوران کاری‌اش قطع شده است. در آن دوره، آمریکا از مذاکره با ایران دم می‌زد اما هم‌زمان با این سخن، فشار بر ایران را با تحریم‌ها افزایش می‌داد. رایس با ایجاد اجماع بین کشورها و همراه‌کردن کشورهای عربی و اروپایی فضای ضدایرانی علیه کشور به راه انداخت که تصویب و اجرای بخشی از تحریم‌های سنگین ایران در آن دوره از این دست بود؛ تحریم‌هایی که روزی از کاخ سفید روز دیگر از کنگره و زمان دیگری از بین قطع‌نامه‌های شورای امنیت بیرون می‌آمد. یکی از آنها ضبط اموال و دارایی‌های افرادی بود که به برنامه هسته‌ای ایران مرتبط بودند. البته بخش تندتری از این تحریم‌ها هم در دوره باراک اوباما وضع شد. رایس به‌شدت دنبال ایجاد اجماع جهانی علیه ایران بود تا این باور غلط را ایجاد کند که ایران دنبال دستیابی به بمب اتمی است. یکی دیگر از نقاط تمرکز رایس کاهش مداخله ایران در عراق بود. مشابه آن، شرایط فعلی نیکی هیلی است که هشت سال بعد از رایس بر «برجام» و «حضور ایران در منطقه» تمرکز کرده و مواضعش درباره ایران بر این دو محور متمرکز است. شواهد نشان می‌دهد مسیری که هیلی می‌رود نزدیک به مسیری است که کاندولیزا رایس رفت و توانست کالین پاول را حذف کند. اگرچه مسیر آینده هیلی از رایس هم پرطمطراق‌تر به نظر می‌آید.

از تجارت تا سیاست

نیکی هیلی در سازمان ملل خود را کلانتر جدید خطاب کرده و گفته، آمده تا همه را به‌خط کند. سفرای برخی کشورها معتقدند او سفیری است که با کار سازمان ملل آشنا نیست، اما برخی دیگر او را یکی از بهترین‌ها در چندین سال اخیر می‌دانند. هیلی ۴۵ساله است. او قبل از این سمت، هفت سال فرماندار ایالت کارولینای جنوبی بوده و آن‌زمان هم اولین زن و آمریکایی - هندی در سمت فرماندار بود. هیلی کم‌سابقه نیست. او جزء مخالفان سرسخت سقط جنین و مهاجرت غیرقانونی است آنچه می‌تواند بیش‌ازپیش هیلی و ترامپ را به‌هم نزدیک کند. هیلی عضو جنبش تی‌پارتی هم هست. خانواده او مهاجرانی از پنجاب هند هستند که در کارولینای جنوبی مستقر شده‌اند. او در شرکت تولیدی لباس مادرش کار می‌کرده و این همکاری مادر و دختری موجب شد این شرکت چندمیلیون دلار درآمد کسب کند. همین تجربه موجب شد او برای احراز پست هیئت‌مدیره اتاق بازرگانی هم کاندیدا شود. سال ۲۰۰۴ اما آغاز فعالیت سیاسی او بود. او در رقابت‌های انتخاباتی برای احراز کرسی در مجلس نمایندگان ایالت کارولینای جنوبی شرکت کرد و پیروز شد. برنامه او به‌عنوان یک جمهوری‌خواه تندرو مخالفتش با مالیات بود، همچنین او به لوایح مخالف سقط جنین رأی داده است. او در انتخابات فرمانداران در سال ۲۰۱۰ شرکت کرد و مورد حمایت میت رامنی و سارا پلین هم بود و این انتخابات را برد و از سال ۲۰۱۰ فرماندار شد.

ادامه در صفحه ۱۹

ادامه از صفحه ۴

زیان ۹۰ هزار میلیارد تومانی ۲ دولت

نماینده مردم تفرش، آشتیان و فراهان در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به اینکه منابع هدفمندی شامل ارقامی می‌شود که در قانون بودجه هر سال مشخص می‌شود، یادآور شد: سازمان هدفمندی باید منابع را بر اساس قانون از شرکت‌های مشخص‌شده دریافت و به حساب خانوارها و سایر بخش‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده واریز کند. او با بیان اینکه سازمان هدفمندی یارانه‌ها در گزارش خود به کمیسیون بودجه اظهار کرد که از ابتدای سال جدید پنج ماه یارانه پرداخت کرده است، افزود: میزان منابعی که از شرکت‌های نفتی؛ یعنی شرکت پخش و پالایش، پخش فراورده‌های نفتی و شرکت ملی گاز که مهم‌ترین میزان منابع هدفمندی را تهیه می‌کنند، دریافت شده، نسبت به عدد پرداختی تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. حسینی ادامه داد: سازمان هدفمندی در پنج‌ماهه نخست سال رقمی حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان از منابع دولت برداشت کرده، درحالی‌که در قانون بودجه پیش‌بینی شده این رقم در تمام سال پرداخت شود، اما این رقم در عرض پنج ماه از بودجه دریافت شده، چراکه درآمد هدفمندی از محل قیمت حامل‌های انرژی در پنج‌ماهه اول در اختیار آنها قرار نگرفته است.

او با بیان اینکه مدیرکل خزانه معتقد است منابع هدفمندی از سوی شرکت‌ها وصول شده است، گفت: تفاوت قیمت حامل‌های انرژی از استفاده‌کنندگان وصول شده و در اختیار شرکت‌های پالایشی قرار گرفته، اما به حساب سازمان هدفمندی و خزانه واریز نشده که به این دلیل سازمان نتوانسته از این منابع استفاده کند، بنابراین این رقم از بودجه دولت پرداخت شده است. این صحبت‌های حسینی نیز در حالی است که نمایندگان منتقد دولت اعتقاد دارند بودجه دولت در حوزه هدفمندی یارانه‌ها شفاف نیست و انحراف دارد. آنها می‌گویند سرنوشت ۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد هدفمندی مشخص نیست. یکی از این نمایندگان منتقد دولت، حمیدرضا حاجی‌بابایی است؛ او دیروز به فارس گفت: «بودجه دولت شفاف نیست و انحراف دارد و یکی از دلایل کسری بودجه به دلیل شیوه نامطلوب بودجه‌ریزی است. سرنوشت ۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد هدفمندی مشخص نیست».